

نقدی بر کتب زبان انگلیسی برای مقاصد خاص (بررسی زبان عمومی دانشگاه)

بهزاد فنسولی (دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد؛ نویسنده مسؤول)

ghonsooly@ferdowsi.um.ac.ir

رضا پیشقدم (دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد)

rpishghadam@gmail.com

چکیده

مقاله حاضر سعی بر آن دارد تا با ارائه نقدی بر درس زبان عمومی دانشگاه به ارائه راهکارهایی در این زمینه بپردازد. در این پژوهش از ۶۰۰ دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد خواسته شد به پرسشنامه‌ای در خصوص زبان عمومی پاسخ دهند و از ۲۰ استاد دانشگاه فردوسی مشهد نیز خواسته شد در مصاحبه‌ای در همین خصوص شرکت نمایند. همچنین تمرینات کتب درسی، با توجه به سبک‌های غالب یادگیری ادراکی زبان آموزان، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد دانشجوی و استاد، هیچ یک، از این درس رضایت مندی کامل نداشته و شکافی عمیق میان سبک‌های غالب یادگیری ادراکی زبان آموزان ایرانی و سبک‌های مورد استفاده در تمرینات کتب درسی زبان عمومی وجود دارد. در پایان، راهکارهایی برای ارتقای سطح کیفی زبان در دانشگاه ارائه گردید.

کلیدواژه‌ها: انگلیسی با اهداف ویژه، زبان عمومی، نظر سنجی، سبک‌های یادگیری ادراکی.

۱- مقدمه

آموزش زبان انگلیسی از دیرباز مورد توجه صاحب نظران تعلیم و تربیت در ایران بوده است، ولی اکثر تلاش‌هایی که برای بهبود آن تا کنون صورت گرفته با شکست روبرو شده و کلاس‌های درس زبان انگلیسی در مدارس و دانشگاه‌ها معمولاً محیطی خشک و بی‌حاصل

برای زبان آموزان بوده است. ناموفق بودن برنامه آموزش زبان در مدارس، آنچنان تجربه‌ای تلخ از ناکامی در زبان آموزان ایجاد می‌کند که تا پایان دوران تحصیل زبان آموزان ادامه می‌یابد. با وجود آنکه سالانه میلیاردها ریال هزینه، صرف تعلیم و تربیت معلمان و مدرسان و تهیه و تألیف کتب درسی زبان انگلیسی در مدارس و دانشگاه‌ها می‌شود، ولی نتایج حاصله آنچنان رضایت بخش نیست (حسینی و پیشقدم، ۱۳۸۴).

تاریخچه آموزش زبان در ایران

تاریخ آموزش زبان انگلیسی در دهه‌های اخیر مستلزم بررسی و نقد نظریه‌های آموزش زبان و حاکمیت هر یک از آنها در این دوران است، زیرا هرگونه نقد آموزش زبان بدون بررسی و نقد نظریه آموزشی آن، مانند سفری است که در آن مقصدی منظور نشده باشد. به منظور فهم بهتر نظریه آموزش زبان، لازم است نگاهی گذرا به مقوله‌های تأثیرگذار، یعنی بافت وزمینه اجتماعی زبان، یادگیری و آموزش داشته باشیم. قبل از دهه ۱۹۵۰ به سختی می‌توان رد پای از معرفی یک روش آموزشی خاص زبانی در جامعه ایران یافت. اما دهه ۱۹۶۰ میلادی روش آموزش به جامعه ایران معرفی گردید و تأثیرات مهمی در بدنه دولتی آموزش زبان و نیز بخش خصوصی گذاشت؛ به گونه‌ای که این دهه با شروع مؤسسات خصوصی آموزش زبان در سطح کشور مصادف گردید. در این روش تأکید اصلی بر فعالیت‌ها، حفظ و تکرار پاره گفتارها و ساختارهای زبان است. در دهه ۱۹۷۰، نظریه شناختی به جامعه آموزش زبان ایران معرفی گردید، اما نتوانست به طور کامل جانشین روش آموزش شود. چاپ اولین کتاب‌های ESP در قالب مجموعه کتاب‌های Nucleus در دانشگاه تبریز که خود اولین اقدام علمی مدون آموزشی در سطح بین‌المللی نیز بود، همچنان نشان دهنده حاکمیت ساخت گرای در این دوره است. با این وجود، مواد درسی در کتب آموزش زبان تحت تأثیر نظریه شناختی تغییری نسبی یافت. مقوله خواندن به گونه‌ای ملموس در کتب درسی گنجانده شد و تمرین‌های حفظی کم رنگ تر گردید. در این دوره که می‌توان آن را دوره، از هم گسیختگی آموزش زبان نامید، تصور درستی از آموزش زبان در مجموعه وزارت آموزش و پرورش و نیز در سطح دانشگاه‌های کشور

وجود نداشت. در دوره راهنمایی روش آموزش زبان مطلقاً روش است. در دوره دبیرستان روش شناختی را می‌توان به طور محسوس مشاهده نمود. با ورود به دانشگاه‌ها، دانشجویان مجدداً بازگشتی به روش دارند. کتاب مهم و برجسته این مقطع کتاب ESS رابرت کرون است که نمونه کاملی از نسخه ساخت‌گرایی مبتنی بر تکرار و تمرین و حفظ ساختار دستوری زبان می‌باشد.

دو سال بعد از ظهور انقلاب اسلامی، یعنی در سال ۱۳۵۹ که تحولی فرهنگی در نظام آموزش دانشگاه‌های کشور رخ داد، نظام آموزش زبان در ایران نیز دچار تحولاتی بنیادین گردید. نخست آنکه یادگیری زبان تحت تأثیر شرایط اجتماعی، سیاسی آن دوران نمونه‌ای از یک کنش امپریالیستی تلقی گردید. به این معنا که رغبت کمتری در سطح جامعه برای یادگیری زبان در میان اقشار مختلف مردم وجود داشت. با این وجود، هیچ سیاست منع و یا جلوگیری از آموزش زبان انگلیسی در جامعه دانشگاهی دیده نشد. برخلاف انتظار، تحولات فرهنگی و اجتماعی این دوره منجر به رویکرد جدیدی در عرصه آموزش زبان انگلیسی گردید. بسته شدن دانشگاه‌ها در اواخر دهه ۵۰ به مدت ۲ سال و الزام دانشگاهیان به تدوین کتب درسی جدید در تقریباً همه رشته‌های علوم پایه و علوم انسانی منجر به تألیف و ترجمه حدوداً ۲ هزار جلد کتاب آموزشی گردید. در حوزه آموزش زبان، کتاب‌های نسبتاً یکدستی از نظر قالب برای رشته‌های مختلف علوم تدوین گردید و این نخستین بار بود که یک حرکت فرهنگی منجر به تقویت و شکل‌گیری دوره‌های ESP در سطح دانشگاه‌ها گردید. نظریه حاکم بر تدوین این کتب عموماً بر ۲ محور استوار است: الف) سنخیت محتوای متن با رشته مربوطه؛ ب) تقویت محدود مهارت‌های درک نوشتاری از جمله گرامر و واژگان. این چارچوب از زمان شکل‌گیری سازمان سمت نزدیک به ۲ دهه ادامه داشته و بررسی اندکی در خصوص کارایی و تناسب زمانی این دوره‌ها با نیازهای دانشجویان صورت گرفته است (به عنوان نمونه نگاه کنید به قنسولی، ۱۹۹۳). با جهانی شدن زبان انگلیسی به ویژه در حوزه‌های تجارت بین‌الملل (شیلد هوفر، ۲۰۰۴؛ پون جینی، ۲۰۰۴؛ آکار، ۲۰۰۴؛ بیلو، ۲۰۰۲) به نقش مهارت‌های ارتباطی و

کلامی زبان توجه بیشتری شده است. هالک و کانر (۲۰۰۶) آموزش ژانرهای نگارش را دوره‌های ESP از موضوعات مهم تلقی می‌نمایند و از مهارت نگارش به عنوان دروازه موفقیت برای یادگیرندگان زبان یاد می‌کنند. بروس (۲۰۰۵) متأثر از ویدوسون (۱۹۸۴) طرح درس‌های کنونی دوره‌های ESP را در جهت توسعه محدود توانش ارزیابی کرده و معتقد است که ژانر شناختی^۱ مناسب‌ترین واحد آموزشی در طراحی درس‌های ESP است.

در دو دهه گذشته، از جمله عوامل موثر در یادگیری زبان دوم، سبک‌های یادگیری^۲ زبان آموزان است. سبک‌های یادگیری عبارتند از: ویژگی‌های شناختی، عاطفی و فیزیولوژیکی ثابت در افراد جهت یادگیری (کیف، ۱۹۷۹). محققان تاکنون حدود ۲۱ سبک یادگیری را ذکر نموده‌اند که یکی از آنها شیوه یادگیری «ادراکی» می‌باشد (حسینی و پیشقدم، ۱۳۸۴). دان ودان (۱۹۷۹) سبک یادگیری را این گونه تعریف کرده‌اند: «اختلاف میان فراگیران در استفاده از یک یا چند حس برای فهم، سازماندهی و حفظ مطالب». به باور محققان، افراد در فرهنگ‌های مختلف از سبک‌های ادراکی مختلفی جهت یادگیری زبان انگلیسی بهره می‌گیرند؛ به عنوان مثال، کره‌ای‌ها بیشتر از حس دیداری و اسپانیایی‌ها بیشتر از حس شنیداری برای یادگیری زبان دوم سود می‌جویند. سبک‌های ادراکی از جمله سبک‌های یادگیری هستند که در محیط‌های چند فرهنگی EFL/ESL نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. اکثر زبان آموزان بزرگسال از این سبک‌ها به خوبی آگاهی دارند؛ مثلاً زبان آموزان اغلب می‌گویند: «من از طریق دیدن بهتر یاد می‌گیرم» و یا «من از طریق شنیدن بهتر یاد می‌گیرم».

زبان آموزان دیداری معمولاً از طریق دیدن بهتر یاد می‌گیرند و مطالب را به خاطر می‌آورند. این زبان آموزان ترجیح می‌دهند تا متون نوشتاری را بیشتر بخوانند و یا حتی الامکان از ویدئو و وسایل بصری جهت یادگیری استفاده نمایند. بعضی از ابزارهای که آنها در یادگیری سود می‌جویند عبارتند از:

۱- cognitive genre

۲- Learning styles

- نقشه، چارت، نمودار
 - انواع پوسترها
 - متن‌هایی مملو از تصاویر
 - کارهای گرافیکی
 - انواع کارتونها و فیلم‌ها
- زبان آموزان شنیداری معمولاً از طریق شنیدن، مطالب را بهتر یاد می‌گیرند و به خاطر می‌آورند. آنها ترجیح می‌دهند مطالب درسی به صورت شفاهی ارائه شود و از گوش دادن و صحبت کردن لذت می‌برند. بعضی از ابزار و تمرین‌هایی که آنها در یادگیری سود می‌جویند عبارتند از:
- ضبط صوت
 - دادن گزارش شفاهی
 - مصاحبه
 - مباحثه
 - ایراد و گوش دادن به سخنرانی
- زبان آموزان لامسه‌ای، معمولاً از طریق لمس و حس کردن، مطالب را بهتر یاد می‌گیرند و به خاطر می‌آورند. آنها ترجیح می‌دهند مطالب درسی را بنویسند و معمولاً با کتاب خود بیشتر سر و کار دارند و مدام آن را ورق می‌زنند. بعضی از وسایل و تمرین‌هایی که به آنها در یادگیری کمک می‌کنند عبارتند از:
- آزمایشگاه
 - نوشتن
 - کشیدن و طراحی اشکال
 - مدل سازی
 - کارهای عملی
 - آزمایش و تجربه کردن

زبان آموزان حرکتی هم مانند زبان آموزان لامسه‌ای از طریق لمس و حس کردن، مطالب را بهتر یاد می‌گیرند. علاوه بر این، آنها از تمام بدن خود در یادگیری سود می‌جویند. نشستن روی صندلی برای آنها سخت است و نیاز بیشتری به زنگ تفریح دارند. بعضی از تمرین‌هایی که به آنها در یادگیری کمک می‌کنند عبارتند از:

- بازی کردن

- مدل سازی

- فعالیت‌های بدنی

- آزمایش کردن

- پانتومیم

- اجرای نمایشنامه

زبان آموزان فردی، تمایلی به همکاری با دیگران ندارند و ترجیح می‌دهند به تنهایی مطالب را بیاموزند؛ در حالی که زبان آموزان گروهی، تمایل زیادی به همکاری و کار گروهی دارند و ترجیح می‌دهند مطالب درسی خود را همراه با دیگران در گروه بیاموزند.

این پژوهش سعی دارد با نظر سنجی از دانشجویان، مصاحبه با استادان و تحلیل تمرینات با استفاده از پرسشنامه رید (۱۹۸۷) به نقد و بررسی کتب زبان انگلیسی (انتشارات سمت) بپردازد تا مشخص گردد این مؤسسه تا چه میزان در کار خود موفق بوده است.

۲- روش تحقیق

۲-۱: نمونه‌ها

۶۰۰ دانشجوی (۲۱۰ مرد و ۳۹۰ دختر) دانشگاه فردوسی مشهد از چهار گرایش مهندسی (۲۱۰ تن)، روانشناسی (۱۸۴ تن)، علوم (۹۶ تن) و علوم اجتماعی (۱۱۰ تن) بر حسب دسترسی محققان به صورت اتفاقی انتخاب گردیدند. تمامی این افراد قبلاً درس زبان عمومی را گذرانیده و دانشجوی مقطع لیسانس بودند. میانگین سن این افراد ۳ / ۲۱ سال، و سن جوان

ترین و مسن ترین آنها به ترتیب ۱۸ و ۳۱ سال می باشد. ۲۰ استاد (۱۲ مرد، ۸ زن) دانشگاه فردوسی مشهد که درس زبان عمومی تدریس می کردند، انتخاب گردیدند. میانگین سن این افراد ۳۴ سال، و جوان ترین و مسن ترین آنها به ترتیب ۲۲ و ۵۴ سال می باشد. سابقه تدریس دانشگاهی استادان از ۱ سال تا ۳۳ سال است.

۲-۲: ابزار پژوهش

پرسشنامه ای شامل ۱۰ سؤال ۵ گزینه ای، تهیه گردید. این پرسشنامه تنها جنبه نظر سنجی از دانشجویان راجع به رضایت مندی از درس زبان عمومی را داشت. پایایی آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹ می باشد و روایی محتوایی آن توسط متخصصان بررسی شد. با استادان درس زبان عمومی راجع به نگرش آنان نسبت به درس زبان عمومی نیز مصاحبه گردید. در بررسی تمرینات کتب درسی از ۴ کتاب سمت، که بیشتر در کلاس های دانشگاه فردوسی مشهد در درس زبان عمومی استفاده می شود پژوهشگران بهره گرفتند: انگلیسی برای دانشجویان علوم انسانی، انگلیسی برای دانشجویان علوم اجتماعی، انگلیسی برای دانشجویان پزشکی و انگلیسی برای دانشجویان مهندسی.

۲-۳: روش گردآوری اطلاعات

پرسشنامه تهیه شده در آغاز کلاس درس در ترم دوم درسی در هفته های نهم تا سیزدهم میان دانشجویان توزیع گردید و از آنها خواسته شد به آن پاسخ دهند. این نظر سنجی محدودیت زمانی نداشت. مصاحبه از استادان زبان در دفتر گروه انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد و اتاق پژوهشی محققان انجام گرفت. زمان مصاحبه، که به صورت غیر رسمی انجام گرفت، به طور متوسط ۲۰ دقیقه و ظرف ۷ ماه به طول انجامید. از استادان خواسته شد نظر کارشناسی خویش را راجع به درس زبان عمومی (محتوا، حجم مطالب، روند یادگیری) اظهار نمایند. جهت تحلیل تمرینات کتب درسی محققان با توجه به تقسیم بندی سبک های یادگیری

ادراکی رید (۱۹۸۷) تمرینات کتب درسی زبان عمومی رابه ۶ گروه تقسیم بندی کردند: شنیداری، دیداری، حرکتی، لامسه ای، انفرادی و گروهی. سپس فراوانی هر یک از سبک‌ها را در تمرین‌های مختلف در کل کتاب (ابتدا تمرین‌های هر درس، سپس مجموع کل تمرین‌ها) محاسبه نمودند.

۲-۴: تحلیل داده‌ها

پس از جمع آوری اطلاعات از دانشجویان نسبت پاسخگویی به هرگزینه (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به درصد محاسبه گردید و پس از انجام مصاحبه‌ها محققان به تحلیل کیفی اطلاعات داده شده پرداختند و نظریات استادان را به صورت جمع بندی ارائه نمودند. پس از تقسیم بندی تمرینات کتب درسی، محققان به شمارش تمرینات مربوط به هر سبک یادگیری در مجموع ۴ کتاب زبان عمومی پرداختند و نتایج را به صورت فراوانی و درصد ارائه نمودند.

۳- نتایج

جدول شماره ۱ نتایج نظر را سنجی از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در مورد درس زبان انگلیسی نشان می‌دهد. براساس این جدول ۵۹ درصد (۲۷ درصد بی نظر، ۱۴ درصد مخالف) از دانشجویان بر این باورند که کتب مورد تدریس درس زبان عمومی (انتشارات سمت) قدیمی می‌باشد؛ ۵۵ درصد (۲۷ درصد بی نظر، ۱۸ درصد مخالف) از دانشجویان بر این عقیده اند که تمرینات کتب درسی به یادگیری زبان کمک نمی‌کنند؛ ۵۲ درصد (۲۸ درصد بی نظر، ۲۰ درصد مخالف) از آنان اذعان داشته اند که درس زبان عمومی به یادگیری زبان تخصصی کمک نمی‌کند؛ ۶۷ درصد (۲۳ درصد بی نظر، ۱۰ درصد مخالف) از پاسخ دهندگان اعتقاد دارند بهتر است به جای کتب درسی زبان عمومی (انتشارات سمت) از کتبی که در مؤسسات زبان تدریس می‌شود، استفاده گردد؛ ۸۸ درصد (۶ درصد بی نظر، ۶ درصد مخالف) از پاسخ دهندگان با گنجاندن مهارت‌های شنیداری و گفتاری در برنامه درسی موافق بوده اند؛

۸۶ درصد (۱۰ درصد بی نظر، ۴ درصد مخالف) عقیده دارند کلاس‌های درس زبان عمومی شلوغ هستند، ۶۳ درصد (۲۴ درصد بی نظر، ۱۳ درصد مخالف) از دانشجویان پاسخ دهنده از روش تدریس استادان درس زبان عمومی رضایت نداشته اند؛ ۶۸ درصد (۱۸ درصد بی نظر، ۱۴ درصد مخالف) از افراد اعتقاد دارند که سه واحد درس زبان عمومی برای یادگیری زبان کم است و در مجموع ۸۰ درصد (۱۵ درصد بی نظر، ۵ درصد مخالف) از پاسخ دهندگان اعتقاد دارند که درس زبان عمومی با همین روش آموزشی و کتب درسی مفید نیست و نیاز به تغییر دارد.

جدول شماره ۱: نتایج نظر سنجی از دانشجویان در مورد درس زبان عمومی به درصد

کاملاً موافقم	کاملاً مخالفم	موافقم	مخالفم	نظری ندارم	کاملاً موافقم	کاملاً مخالفم
۱۳	۱	۴۶	۱۳	۲۷	۱- محتوای کتب مورد تدریس زبان عمومی (انتشارات سمت) قدیمی‌اند...	
۸	۲۰	۱۰	۳۵	۲۷	۲- تمرینات کتب به یادگیری زبان کمک می‌کنند.	
۱۱	۷	۴۱	۱۳	۲۸	۳- درس زبان عمومی به یادگیری زبان تخصصی کمک می‌کند.	
۲۳	۳	۴۴	۷	۲۳	۴- بهتر است به جای کتب زبان عمومی (انتشارات سمت) از کتب دیگری مثل کتبی که در مؤسسات زبان تدریس می‌شوند، استفاده گردد.	
۴۶	۳	۴۲	۳	۶	۵- بهتر است مهارت‌های شنیداری و گفتاری هم مورد توجه قرار گیرند.	
۴۲	۳	۴۴	۱	۱۰	۶- کلاس‌های درس زبان عمومی شلوغ هستند.	
۱	۴۰	۱۲	۲۳	۲۴	۷- کلاس‌های درس زبان عمومی جذاب‌اند.	
۱	۲۱	۱۹	۳۰	۲۹	۸- روش تدریس استادان درس زبان عمومی در حد مطلوب است.	
۲۶	۴	۴۲	۱۰	۱۸	۹- سه واحد برای یادگیری زبان کم است.	
۱	۵۸	۴	۲۲	۱۵	۱۰- درس زبان عمومی با همین روش آموزشی و کتب درسی مفید می‌باشد و نیاز به تغییر ندارد.	

همان‌گونه که جداول ۲ و ۳ نشان می‌دهند، بیشتر تمرینات کتب درسی سمت با سبک‌های دیداری (۶۶/۵ درصد) و فردی (۱۰۰ درصد) تطابق دارند و کمتر با سبک‌های لامسه‌ای (۱۹/۲ درصد) و حرکتی و گروهی، که سبک‌های غالب یادگیری ایرانیان می‌باشند، تطابق دارند.

جدول شماره ۴: سبک‌های غالب یادگیری ادراکی ایرانیان و سبک‌های مورد استفاده در کتب درسی (سبک‌های دیداری، شنیداری، لامسه‌ای و حرکتی)

سبک‌های غالب یادگیری	سبک‌های کتب درسی	ردیف
لامسه‌ای	دیداری	۱
حرکتی	شنیداری	۲
دیداری	لامسه‌ای	۳
شنیداری	حرکتی	۴

جدول شماره ۵: سبک‌های غالب یادگیری ادراکی ایرانیان و سبک‌های مورد استفاده در کتب درسی (فردی و گروهی)

سبک‌های غالب یادگیری	سبک‌های کتب درسی	ردیف
گروهی	فردی	۱
فردی	گروهی	۲

جداول شماره ۴ و ۵ به ترتیب سبک‌های غالب یادگیری ادراکی ایرانیان و سبک‌های مورد استفاده در تمرینات کتب درسی را نشان می‌دهند. بر اساس این نتایج، شکاف عمیقی میان سبک‌های غالب یادگیری ادراکی ایرانیان و سبک‌های مورد استفاده در تمرینات کتب درسی زبان عمومی وجود دارد. در حل تمرینات کتب درسی بیشتر به سبک‌های دیداری و شنیداری توجه شده است؛ در حالی که زبان آموزان ایرانی بیشتر ترجیح می‌دهند از سبک‌های لامسه‌ای و حرکتی بهره بگیرند و یا تمرینات کتب، بیشتر فردی است؛ در حالی که زبان آموزان ایرانی به

تمرینات گروهی بیشتر تمایل نشان داده اند. از این رو طبیعی است کلاس درس زبان عمومی برای استادان و زبان آموزان خسته کننده باشد، زیرا زبان آموزان بیشتر از سبک‌هایی بهره می‌گیرند که با سبک‌های تمرینات کتب درسی مطابقت ندارند.

مصاحبه

مصاحبه‌ها به صورت غیر رسمی و صمیمانه با ۲۰ تن از استادان انجام پذیرفت. اهم مطالب عنوان شده در این جلسات در ذیل آمده است:

- ۱- زبان عمومی کمک چندانی به یادگیری زبان نمی‌کند.
- ۲- چنین کلاس‌هایی اصراف وقت و هزینه‌های دانشگاهی است.
- ۳- متن‌های این کتاب‌ها قدیمی و ملال آور است.
- ۴- بعضی از متون، ارتباط خاص با رشته تحصیلی دانشجویان ندارند.
- ۵- دانشجویان، فاقد سطح بسندگی لازم برای شرکت در این کلاس‌ها هستند.
- ۶- کلاس‌های درسی غالباً بسیار شلوغ است و کارایی مباحث آموزشی در این کلاس‌ها پایین است.
- ۷- ۳ واحد درسی زبان عمومی برای آموزش زبان کافی نیست.
- ۸- عدم تجانس سطح بسندگی زبان دانشجویان، مشکل اساسی در پیش روی برنامه ریزی مناسب آموزش است.

در مجموع، با در نظر گرفتن آرای دانشجویان و استادان می‌توان گفت درس زبان عمومی نیاز به بازنگری اساسی دارد تا از به هدر رفتن میلیاردها ریال از هزینه ملی و میلیون‌ها ساعت از وقت دانشجویان جلوگیری شود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش بر ۲ محور نظرسنجی از استادان و دانشجویان پیرامون درس زبان عمومی دانشگاه‌ها و نقد تمرینات مورد استفاده در این کتاب‌ها بر مبنای نظریه یادگیری ادراکی صورت

پذیرفت. قدیمی بودن کتاب‌ها، عدم کارایی تمرینات این کتاب‌ها، تکیه بیش از اندازه بر مهارت خواندن و فقدان مهارت‌های شنیداری و گفتاری، نبود رضایت از روش تدریس استادان و در نهایت، عدم رضایت کلی از کتاب‌های درسی، از جمله عمده ترین مباحث طرح شده از سوی دانشجویان می‌باشد. استادان نیز دیدگاه‌های نسبتاً مشترکی را در این خصوص ابراز نمودند. نکته دوم حائز اهمیت در این پژوهش، عدم ارتباط میان سبک‌های یادگیری ادراکی دانشجویان با سبک‌های مورد استفاده در تمرینات کتب درسی است. در طراحی تمرینات کتاب‌های درسی زبان عمومی، آگاهی از سبک‌های یادگیری ادراکی نقش مهمی در ارتقای سطح یادگیری و افزایش تأثیر گذاری تمرینات درسی بر فرایند یادگیری ایفا می‌کند.

راهکارهای پیشنهادی

- ۱- برگزاری آزمون بسندگی زبان، حذف دروس زبان عمومی به صورت اجباری و ارائه آن به صورت اختیاری:

دانشگاه با تهیه آزمون بسندگی زبان که می‌تواند سالی دوبار برگزار شود، دانشجویان را به مرز بسندگی زبان مورد نیاز دانشگاه می‌رساند که این خود حایز سه نکته اساسی است:

الف- صرفه جویی در هزینه دانشگاه؛

ب- بالا بردن سطح کیفی زبان با به کار گیری آزمون‌های استاندارد؛

ج- جلوگیری از به هدر رفتن وقت دانشجویانی که زبان را قبلاً آموخته‌اند.

- ۲- واکاوی نیازها: بدون شک، هرگونه برنامه ریزی درسی در این دوره‌ها می‌بایست بر محور تجزیه و تحلیل نیازهای آموزشی و یادگیری دانشجویان صورت گیرد (ویلسون، ۱۹۸۶).

مدل واکاوی نیازهای مونبی (۱۹۹۴) از جامعیت بیشتری نسبت به مدل‌هایی مانند مدل‌هاچینسون و واترز (۱۹۸۳) برخوردار است. یک مدل واکاوی نیازها می‌بایست دربرگیرنده مؤلفه‌هایی همچون بررسی قالب‌های زبانی، نیازهای یادگیری با تعیین سطح و میزان دانش زبانی که یادگیرنده می‌بایست در پایان دوره کسب نماید و نیز نیازهای ارتباطی زبان باشد.

۳- لازمه موفقیت هر دوره آموزشی در گرو آموزش فرآیندها و راهبردهای یادگیری مؤثر به دانشجویان می‌باشد. کتاب‌های زبان انگلیسی انتشارات سمت فاقد این گونه آموزش‌هاست. مهم‌ترین مدل‌های موجود در این زمینه عبارتند از مدل روبین (۱۹۷۴) و مدل ایس (۱۹۹۴).

۴- بدون شک یکی از مؤلفه‌های موفقیت این دوره‌ها افزایش سطح دانش نظری مدرسان این دوره‌هاست. به کارگیری مدرسینی که جدا از توانش زبانی با نظریات جدید یادگیری زبان دوم آشنایی دارند می‌تواند در ارتقای سطح کیفی دروس این دوره‌ها تأثیر بسزایی داشته باشد. برگزاری دوره‌های باز آموزی، کلید بخش مهمی از حل مسئله درسی به نام انگلیسی برای مقاصد خاص است.

۵- مسلماً پر کردن شکاف میان تدریس و یادگیری یکی از مهم‌ترین اهداف هر نظام آموزشی است و یکی از بهترین مؤلفه‌هایی که می‌تواند در این امر راهگشا باشد تهیه و تدوین کتب درسی براساس سبک‌ها و راهکارهای غالب یادگیری زبان آموزان ایرانی می‌باشد. بی شک این امر باعث می‌شود تا سطح کیفی یادگیری در کلاس بالا رود و کلاس دیگر محیطی خسته کننده برای زبان آموز و معلم نباشد.

کتابنامه

حسینی، آ. و پیشقدم، ر. (۱۳۸۴). سبک‌های غالب یادگیری زبان انگلیسی در زبان آموزان ایرانی. پژوهش چاپ نشده دانشگاه مشهد.

صفار زاده، ط. (۱۳۸۴). انگلیسی برای دانشجویان علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.

Akar, D. (۲۰۰۲). The macro contextual factors shaping business discourse:

The Turkish case. *International Review of Applied Linguistics in Language Teaching*, ۴, ۳۰۵ – ۳۲۲.

Biblow, C. (۲۰۰۲). Commissive speech act use in intercultural business meetings. *International Review of Applied Linguistics in Language Teaching*, ۳, ۲۸۷ – ۳۰۳.

- Bruce, I. (۲۰۰۵). Syllabus design for general EAP writing courses: A cognitive approach. *Journal of English for Academic Purposes*. ۴, ۲۳۹ – ۲۵۶.
- Dunn, R., Dunn, K. and Price, G.E. (۱۹۷۹). *Productivity environmental preference survey*. Lawrence, KS: Price Systems
- Ghonsouli, B. (۱۹۹۳). *A course in reading skills for the ۳rd year Biology students in Iran*. Univ. of Edinburgh: Unpublished MSC dissertation.
- Halleck, G. B., Connor, I. M. (۲۰۰۶). Rhetorical moves in TESOL conference proposals. *Journal of English for Academic Purposes*. ۵, ۷۰ – ۸۶.
- Hutchinson, T & Waters, A. (۱۹۸۷). *English for specific purposes*. CPU.
- Keefe, J.W. (۱۹۷۹). *Student learning styles: Diagnosing and prescribing programs*. Reston, VA: National Association of Secondary School Principals.
- Nuby, J.F. (۱۹۹۵). *Learning styles: A cooperative analysis of the learning styles of native American and African – American students*. Unpublished doctoral dissertation. University of Alabama Tuscaloosa. AL.
- Poncini, C. (۲۰۰۴). *Discursive strategies in intercultural business meetings*. Frankfurt: Peter Large.
- Reid, J. (۱۹۸۷). The learning style preferences of ESL students. *TESOL Quarterly*, ۲۱, ۸۷ – ۱۱۱.
- Rossi-Lee, L. (۱۹۹۵). Learning style and strategies in adult immigrant ESL students. In J. Reid (ed.), *Learning style in the ESL/EFL classroom*, ۱۱۸–۲۵, Boston: Heinle & Heinle.
- Shieldhofer, B. (۲۰۰۴). Research perspectives on Teaching English as a Lingua franca. *Annual Review of Applied Linguistics*. ۲۴, ۲۰۹ – ۲۳۹.
- Widdowson, H. G. *Learning purpose and language use*. OUP

Willing, K. (۱۹۸۸). *Learning styles in adult immigrant education*. Adelaide: National Curriculums Resource Centre.

